

زیبایی‌شناسی چهار حسن ادبی در دیوان شاب الظریف

دکتر اسماعیل اسلامی^۱

چکیده

شاب الظریف از شاعران عرب‌زبان سوری دوره مملوکی است که در به کار بردن انواع صناعات و آرایه‌های ادبی مهارت بسیار داشت. از جمله آرایه‌های زیبا و مورد توجه وی چهار آرایه حسن مطلع، حسن ختام، حسن تخلص و حسن تعلیل است. در پژوهش حاضر، این چهار حسن ادبی در دیوان شاب الظریف از جنبه زیبایی‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نگارنده، جستار حاضر را به روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای انجام داده و به این نتیجه دست یافته است که شاب الظریف چهار حسن ادبی حسن مطلع، حسن ختام، حسن تخلص و حسن تعلیل را بسیار هنرمندانه به کار برده است که از میان این محسنات، حسن تعلیل در مقایسه با دیگر موارد، به دلیل همراه بودن با آرایه‌های بیانی چون تشبیه و استعاره، جزء صورت‌های تخیلی و خیال‌انگیز بلاغت به شمار می‌آید. شاب الظریف با بهره‌گیری از این محاسن ادبی بعد از بنا نهادن سخن خود و رعایت اقتضای مخاطب، بر لطف و رونق کلام خویش افزوده و در نهایت سبب جلب توجه مخاطب شده است.

واژگان کلیدی: شاب الظریف، زیبایی‌شناسی، دیوان شعر، محسنات ادبی، حسن تعلیل.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران

مقدمه

زیبایی‌شناسی از مباحث ارزشمند در عرصه‌های مختلفی همچون، ادبیات، فلسفه، موسیقی و... است که عناصر زیبایی را در یک اثر ادبی یا هنری مورد بررسی قرار می‌دهد و میزان زیبایی و ارزش آن را می‌سنجد. در حوزه ادبیات این زیبایی‌شناسی از طریق میزان بهره‌گیری شاعر یا نویسنده از آرایه‌های ادبی که صورخیال و محسنات لفظی و معنوی را شامل می‌شود، صورت می‌گیرد؛ زیرا تصویرسازی‌های خلاقانه، احساسات ناب و شاعرانه و توانایی وی را در سرایش شعر یا نوشتن یک متن نشان می‌دهد. در بخش محسنات معنوی با آرایه‌های بسیاری مواجهیم که تعدادی از این آرایه‌ها با حسن شروع می‌شوند. این آرایه‌ها عبارتند از: حسن مطلع، حسن ختام یا حسن مقطع، حسن تخلص و حسن تعلیل. در این پژوهش این چهار حسن معنوی در دیوان شاب الظریف شاعر توانمند عرب‌زبان کشور سوریه بررسی و تبیین می‌شود؛ زیرا او در سطحی گسترده از محسنات معنوی در جهت القای مفاهیم و اهداف مورد نظر خود سود جسته است.

پیشینه تحقیق

مقاله «غزل در شعر حافظ و شاب الظریف (بررسی تطبیقی)» (۱۳۹۵)، نوشته مرادی و نعمتی، که نویسندگان آن، مضامین مشترک غزل‌های حافظ و شاب الظریف را بررسی نمودند و به نزدیک بودن مضامین غزل‌های این دو شاعر پی بردند. از دیدگاه نویسندگان پژوهش، اشعار حافظ زیباتر، لطیف‌تر و هنری‌تر است.

مقاله «بررسی تطبیقی غم فراق در غزلیات سعدی و شاب الظریف» (۱۳۹۲)، معروف و حاتمی به عنوان نویسندگان پژوهش غم فراق را در اشعار شاب الظریف و سعدی بررسی نمودند و به اشتراکات ساختاری و محتوایی آنها در این زمینه پی بردند.

مقاله «بینامتنیت دینی در غزل‌های مادی الشاب الظریف» (۱۳۹۲)، نوشته میرقادری و همکاران که در آن به توانایی شاعر در امتزاج اشعارش با متون دینی و تأثیرپذیری وی از قرآن، اصطلاحات دینی و شخصیت‌های تاریخ مذهبی اشاره شده است.

ادبیات تحقیق

زندگی‌نامه شاب الظریف

محمد بن سلیمان معروف به الشاب الظریف در سال ۶۶۱ ه. ق. قاهره به دنیا آمد و از همان کودکی با پدرش، عفیف‌الدین تلمسانی به دمشق مهاجرت کرد. (ر. ک: فروخ، ۱۹۸۶ م: ۳/۶۵۸) و در کنار پدرش ماند تا اینکه در سال ۶۶۸ ه. ق، در حالی که هنوز جوان بود و سی ساله نشده بود، وفات یافت.

شاب الظریف در آغاز دولت ممالیک البحریه می‌زیست. اکثر شاعران این عصر در شرایط سختی به سر بردند و به مشاغلی همچون وراقی، کحالی و حمامی می‌پرداختند. وی همچون پدرش در شاعری تبخر یافت و نسبت به دیگران برتری یافت. وی شاعری باریک اندیش بود. اشعارش بسیار ظریف و سرشار از محسنات بدیعی بود. کاربرد آرایه‌های بدیعی در آن زمان از سوی اهل ادب از اقبال عمومی برخوردار بود. همین امر سبب شد اشعار شاب الظریف به خاطر معانی زیبای تغزلی، ترکیب‌های ساده و روان و وزن سبک و کوتاه اشعار، و استفاده از الفاظ عامیانه مورد پسند دمشقیان قرار گرفت. (ر. ک: ابن فضل الله، بی تا: ۱۶ / ۱۷۹)

به سخن صفدی (۱۹۸۷ م: ج ۳ / ۱۳۰)، مضمون بسیاری از سروده‌های شاب الظریف، از نوع غزل مذکر است؛ زیرا در آن زمان رایج بوده و همین امر سبب شده عده‌ای وی را غزلسرای اهل مجون و بوالهوس بدانند. شاب الظریف بیشتر از اوزان و قالب‌های معروف ایرانی استفاده نموده که در آن زمان به تازگی در ادبیات عرب رایج شده بود. (ر. ک: فاتحی‌نژاد، بی تا: ۲)

زیبایی‌شناسی

زیبایی‌شناسی دانشی است که چیستی زیبایی و عوامل پدیدآورنده آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این دانش هر آنچه سبب زیبایی پدیده‌های طبیعی، ادبی یا هنری شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین علم به اصول و نشانه‌هایی است که به عنوان معیار زیبایی در آثار ارزشمند و نمونه‌های عالی هنری به شمار می‌آید.

به نظر کروچه (۱۳۸۱: ۱۵) نظریه‌هایی که در تعریف هنر و زیبایی وجود دارد یا ذهنی (درونی) است یا عینی (بیرونی). در نظریه ذهنی زیبایی‌شناسی فقط قوه ذهنی آدمی می‌تواند معیار دوست داشتن را تعیین نماید و در نظریه عینی ذهن ثابت است و پدیده‌های عینی در آن در حال تغییر و تحول است.

از میان انواع هنر، شعر هنری کلامی به شمار می‌آید که در قالب زبان ارائه می‌گردد و بدین ترتیب اگر از زیبایی برخوردار باشد، بیش از سایر هنرها با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند. به نظر پورنامداریان شاعر با زیبایی کار دارد، نه با نیک و بد یا حقیقت چیزی و اولین وظیفه‌اش دست یابی به زیبایی برین است که زیبایی این جهان جلوه‌ای از آن به شمار می‌آید. (ر. ک: پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۰)

کاربرد صنایع بدیعی در شعر از عواملی است که سبب اصلی زیبایی آفرینی می‌شود. در عصر ممالیک شاعران بیشتر به پرورش محتوای شعر با تأکید بر بدیع لفظی توجه داشتند.

زیبایی‌شناسی آرایه‌های حسن در دیوان شاب الظریف

در بررسی سروده‌های شاب الظریف با چند آرایه برخورد می‌کنیم که با حسن آغاز می‌شوند. این آرایه‌ها عبارتند از: حسن مطلع، حسن ختام، حسن تخلص و حسن تعلیل که هر یک به طور جداگانه بررسی و تحلیل می‌شود.

حسن مطلع

اگر آغاز سخن، لطیف، آسان، با معانی واضح باشد و با موقعیت مناسبت داشته باشد، طوری که مخاطب را جذب خود کند تا به همه سخن گوش بدهد، حسن مطلع یا حسن ابتدا صورت گرفته است. در تعریف ابن‌معتز، «حسن ابتدا در اصطلاح صناعات ادبی، آغاز شعر یا داستان با کلماتی نیکو و روشن و خوشایند است، به طوری که طبع شنونده به شنیدن باقی آن برانگیخته شود.» (ابن‌معتز، ۱۹۶۷: ۱ / ۷۵)

این حسن ادبی در دیوان شاب الظریف دیده شده است.

شاعر در بیت زیر شعر را با این بیت آغاز می‌کند:

أَهْلًا بِوَجْهِكَ لَا حَجَبَ عَنْ نَظْرِي / يَا فَتْنَةَ الْقَلْبِ بَلْ يَا نُزْهَةَ الْبَصْرِ^۱ (شاب الظریف، ۱۴۲۴ق: ۱۷۰).

در آغاز بسیار زیبا و واضح سخن می‌گوید و معشوق خود را با القاب و صفات «فَتْنَةُ الْقَلْبِ» و «نُزْهَةُ الْبَصْرِ» مورد خطاب قرار می‌دهد و از او می‌خواهد که از مقابل دیدگانش پنهان نشود. هر چند معنی بیت کامل است، اما مخاطب را بر می‌انگیزد که به ادامه ابیات گوش فرا دهد. شاب الظریف در بیت زیر بسیار زیبا، اشتیاق عاشق را به حرم قدس شریف و تحیت گفتن به آن به تصویر می‌کشد و می‌گوید:

سَلَامٌ مَشُوقٍ مَغْرَمٍ الْقَلْبِ صَبْهٍ / إِلَى حَرَمِ الْقُدْسِ الشَّرِيفِ فُقْرَبِهِ^۲ (همان: ۹۵)

شاعر در بیت آغازین غزل زیر از حب و علاقه‌اش به امام علی (ع) سخن می‌گوید و او را خواسته و هدف خود معرفی می‌کند.

أَحَبُّ عَلِيًّا وَ هُوَ سَوْلِي وَ بُغَيْتِي / وَ مَا زَارَ إِلَّا قَلْتُ أَهْلًا وَ مَرْحَبًا^۳ (همان: ۵۹)

ضمن این که غزل بسیار زیبا شروع شده و معنی بیت با ابیات دیگر وابسته نیست، با این وجود مخاطب منتظر ادامه سخن شاعر است.

اما در ابیات زیر که مطلع غزل یا قصیده هستند، ضمن زیبایی معنایی با زیبایی هنری و ادبی نیز روبرو هستیم:

عَرَامِي فَيْكُمْ مَا أَلَذُّ وَ أَطْيَبَا / وَأَهْلًا بِسُقْمِي مِنْ هَوَاكُمُ وَ مَرْحَبًا^۴ (همان: ۶۶)

در این بیت شاعر بر درد عشق درود می‌فرستد؛ چرا که این درد را پاک و دوست داشتنی

۱. معنی بیت: ای امتحان و آزمایش قلب وای شادابی دیده! خوشامد به چهره ات. از نگاهم پنهان نشو.
۲. معنی بیت: با درود و سلام و تحیت مشتاقانه و قلبی به حرم قدسی شریف و نزدیکی و تقرب به آن.
۳. محبوبم علی را دوست دارم؛ در حالی که او خواسته و هدفم است و او دیدارم نکرد جز این که از او با خوش آمدگویی استقبال کنم.
۴. آفرین و درود به درد عشق ملال‌آوری که من از شما می‌کشم؛ زیرا این عشق بسیار دلنشین و پاک است.

می‌شمرد. شاعر با استفاده از آرایهٔ تشخیص درد عشق را به انسان مانند می‌کند و او را مورد تحسین قرار می‌دهد.

همچنین حسن ادبی در این مطلع از شاب الظریف دیده می‌شود:

أهلاً بمعتلِّ النَّسِيمِ و مرحباً / وَ مَذْكَرِي عَهْدَ الصَّبَابَةِ وَالصَّبَا^۱ (همان: ۶۳)

شاعر در این بیت به نسیم افتان و خیزان به این دلیل که او را به یاد دوران کودکی می‌اندازند، درود می‌فرستد و با استفاده از آرایهٔ تشخیص او را انسانی مجسم می‌کند و به او مرحبا می‌گوید.

حسن ختام

حسن ختام یا حسن انتها در مقابل حسن مطلع یا ابتدا قرار می‌گیرد. در تعریف هاشمی (۱۹۹۴: ۳۶۷)، اگر پایان کلام یا بیت آخر سخنی دلپذیر باشد و ساختاری نیکو و معنایی درست داشته باشد و همچنین مشخص باشد که پایان سخن است، حسن ختام شکل می‌گیرد.

در چنین شرایطی چون سخن به بهترین نحو ختم شده، شاعر یا سخنور به مقصود و هدف خود رسیده، رضایت وی حاصل می‌شود.

نمونه‌های زیر ابیات آخر از قصیده‌های دیوان شاب الظریف و دلپذیر و نیکو هستند و نشان‌دهندهٔ پایان یافتن مطلوب سخن.

عَلَيْكَ مَنْى سَلامَ ما سَرتَ سَحرًا / نُسِيمَةُ عَطرُها في الكَونِ دراء^۲ (الشاب الظريف، ۱۴۲۴ق: ۳۱)

در این بیت پایانی شاعر که به هدف خود دست پیدا کرده برای حسن ختام بر باد نسیم خوشبو و عطرآگین سحرگاهان سلام می‌فرستد.

فَعَلَيْكَ مَنكَ مَعَ الْأَصْوائِلِ وَالضُّحَى / تُتَلَى أَجَلَ تَحِيَّةٍ وَ صَلَاةٍ^۳ (همان: ۱۰۲)

۱. درود و سلام بر نسیم افتان و خیزان، که مرا به یاد دوران کودکی و جوانی و عشق و عاشقی می‌اندازد.
۲. معنی بیت: سلام من بر تو باد، با نسیمی که در سحر می‌وزد و عطرش جهان را در بر می‌گیرد.
۳. معنی بیت: بزرگ‌ترین تحیت در هر شامگاه و صبح بر تو باد در حالی که بزرگ‌ترین آنها از تو صادر می‌شود.

در این بیت که آخرین بیت قصیده است، فرستادن درود و تحیت و دعای خیر نشان‌دهنده پایان کلام شاعر در این قصیده و در واقع حسن ختام کلام است.

– عَلِيكَ سَلامٌ مِنْ كَتِيْبٍ مَتِيْمٍ / تَظَلُّ سَليماً وَ هُوَ مِنْكَ سَليماً^۱ (همان: ۳۰۳)

در بیت فوق شاعر با آرزوی سلامتی برای معشوق، کلامش را به پایان می‌رساند، ضمن این که به آرزوگی خود از دست وی اشاره می‌کند و بدین ترتیب در نهایت زیبایی به سخنش خاتمه می‌دهد. همچنان که در بیت زیر:

سَلامٌ اللهُ مَهابِتِ سَمالٍ / عَلَي تَلُكِ المَعاظِفِ وَالسَمانِ^۲ (همان: ۲۸۳)

همان طور که از نمونه‌ها بر می‌آید، مهم‌ترین ویژگی حسن ختام شاب الظریف دعای خیر در حق معشوق یا مخاطب است که اغلب با آرایه تشخیص همراه است.

حسن تخلص

تخلص از نظر لغوی به معنای خلاص شدن و در اصطلاح ادبی، گذشتن از مقدمه کلام و رسیدن به هدف نهایی در شعر را تخلص می‌گویند و در واقع رها شدن از تغزل و تشبیب و آغاز کردن مدح است و جایگاه آن در غزل قبل از چند بیت مدیحه پایانی است. (ر ک: تفتازانی، ۱۴۰۷ق: ۱/ ۴۷۹؛ فروغی، ۱۳۳۵: ۱/ ۱۰۸)

به عبارت ساده‌تر، تخلص نامی به جز نام اصلی، کنیه یا لقب شاعر است که با آن شهرت پیدا می‌کند و آن را در پایان شعرش به ویژه در پایان قصیده و غزل می‌آورد.

و حسن تخلص «آن است که شاعر قبل از شروع در قصیده‌ای بحری اختیار کند، و اسم یا لقب ممدوح را در آن بحر به عبارت خوش توان آورد، و اگر در قافیه آرد، خوشتر باشد.» (رامی تبریزی، ۱۳۴۱: ۴۱) به عبارت ساده‌تر، حسن تخلص بیرون رفتن از تغزل و تشبیب در آغاز سخن و شروع کردن به مدح ممدوح را گویند، به طوری که خوش‌آیند باشد.

۱. معنی بیت: سلام از جانب عاشق محزون بر تو باد که سلامتی را برایت آرزو می‌کند، در حالی که از دست تو آزاده است.

۲. معنی بیت: سلام و درود خداوند بر آن کمر و پهلوها و شمایل باد که نسیم شمال بر آن می‌وزد.

در شاهدمثال‌های زیر شاعر با خارج شدن از تشبیب در آغاز سخن، به مدح ممدوح پرداخته است.

وحبذا الشَّامُ إنَّ سمتَ بحسا / م‌الدين مُنها البَطَّاحُ والكُثْبُ^۱ (الشاب الظريف، ۴۲۴ق: ۴۳)
در این بیت شاعر از ممدوح خود حسام‌الدین سخن می‌گوید و حتی سرزمینی را که او در آن زندگی می‌کند، می‌ستاید.

وجوی تَضْرَمَ جمره لولا نَدی / قاضی القضاة قَضَى على لهيبه^۲ (همان: ۵۶)
در بیت زیر شاعر به زیبایی حسن تخلص را به کار برده است:
شَيْثَانٌ قَدْ أَمْنَا مِنْ ثَالِثٍ لَهَا / وجدی علیک وإحسانُ ابنِ یعقوب^۳ (همان: ۸۱)
در بیتی دیگر شاعر در تشبیهی زیبا آفرینش ممدوحش زین‌الدین برای همراهانش را به رقیق بودن شراب برای نوشنده‌اش مانند کرده است.

لَفْظٌ يَرِيقُ كَمَا تَرِيقُ مَدَامُهُ / أم خَلَقُ زَيْنِ الدِّينِ رِقًا لَصَحْبِهِ^۴ (همان: ۹۴)
شاعر در بیتی دیگر با وصف ممدوحش بهاء‌الدین یوسف، و بیان احساس امنیت خود به خاطر فرمانروایی وی، حسن تخلص به کار می‌برد.

أَوْ اُخْتَشَى خَطْبًا أَرَاهُ بِلِدَّةٍ / وبها بهاء‌الدین یوسف حاکم^۵ (همان: ۲۹۰)
در بیت زیر نیز حسن تخلص و گریز زدن به مدح ممدوح که یکی از والیان است و محمد بن افتخار نام دارد، دیده می‌شود.

ولا مدایح إلا فی محمد بن / الافتخارِ المرجی دافعِ الضَّررِ^۶ (همان: ۱۷۱)

۱. معنی بیت: آفرین بر شام؛ اگر چه زمین پر سیل و ماسه و شن‌هایش با حسام‌الدین (ممدوح) مقام یافتند.
۲. معنی بیت: شوقی در من است که آتشدان آن در حال شعله‌ور شدن است و نزدیک است که لهیبش مرا در بگیرد، اگر بخشش قاضی القضاة (ممدوح شاعر) نبود.
۳. معنی بیت: دو چیز هستند که از سومی بی‌نیازند: میل و اشتیاق من به تو و إحسان بن یعقوب.
۴. معنی بیت: آن لفظ نرم و رقیق میشود همان طوری که شراب برای نوشنده اش می‌شود یا این که آفرینش «زین‌الدین» برای همراهانش دلنشین می‌باشد.
۵. معنی بیت: در شهری که بهاء‌الدین یوسف بر آن فرمانروایی می‌کند، هرگز از بدی و مشکلات نمی‌ترسم.
۶. معنی بیت: مدح جز در مدح محمد بن افتخار (یکی از والیان) شیرین نمی‌باشد؛ کسی که ضرر را از مردم دور

همچنین است گریز زدن به مدح ممدوحانی همچون ابن عبدالظاهر (همان: ۱۳۴)، ابن یعقوب (همان: ۲۷۵)، ابن اثیر (همان: ۲۸۰).

حسن تعلیل

نخستین معنای اصطلاحی حسن تعلیل در کتب بلاغی عربی، «یاد کردن دو صفت، یکی به علت دیگری که غرض بیان کردن هر دو صفت می‌باشد.» (رازی، ۱۹۸۹: ۱۱۶) است. در این تعریف صحبتی از حقیقی یا ادعایی بودن بیان علت نشده است.

اصطلاح حسن تعلیل در بلاغت فارسی نیز تا حدود زیادی متأثر از بلاغت عربی است و در اکثر کتاب‌های بلاغی و در اغلب فرهنگ‌های اصطلاحات ادبی و بلاغی فارسی نیز همین تعریف ذکر شده است، یعنی «ادعای دلیلی غیر حقیقی برای وصفی» (خانلری، ۱۳۶۶: ۱۸۲؛ صادقی، ۱۳۷۶: ۹۴؛ داد، ۱۳۷۵: ۱۱۵؛ رادفر، ۱۳۶۸: ۲/ ۴۸۰)

در این حسن ادبی، ادیب، به صراحت دلیل شناخته‌شده چیزی را انکار می‌کند برای آن علتی ادبی که زیبا و شگفت و دارای اعتبار لطیف و نکته‌سنجی است، می‌آورد و هدف مورد توجه قراردادن مخاطب است؛ هاشمی در تعریف این آرایه می‌گوید: آن است که «ادیب برای صفتی، علت غیر حقیقی مناسبی ادعا می‌کند که دارای زیبایی و شگفتی باشد و با آن علت، بر زیبایی و ارجمندی معنایی که قصد کرده است می‌افزاید.» (الهاشمی، ۱۹۹۴: ۳۱۷)

وَتَجَلُّ السَّحْبُ مِنْ أَكْفِهِمْ / مَنْ أَجَلِ هَذَا تُبْدِي الْحَيَا السَّحْبُ ۱ (شاب الظریف، ۱۴۲۴ق: ۴۴).

در این بیت شاعر ادعا می‌کند که ریزش باران به وسیله ابر، پدیده طبیعی نیست، بلکه علت بارش باران خجالت کشیدن ابرها به خاطر بخشدگی اقوام ممدوح است.

مذ رَأَتْهُ الشَّمْسُ فِي الْحَمَلِ / لَمْ تَكَدْ تَبْدُو مِنَ الْخَجَلِ ۲ (همان: ۲۶۷)

می‌کند.

۱. معنی بیت: ابرها از بخشش دستانشان خجالت می‌کشند و به همین خاطر است که ابرها باران را آشکار می‌کنند و می‌ریزند. گویی عرق شرم بر پیشانی ابرها نشسته است.
۲. معنی بیت: آنگاه که خورشید در برج حمل او را دید، از شرم، خود را از پیش سیمای زیبای او پنهان کرد.

ولی قَمْرٌ ما بدا فی الدَجَى / وأبصرَه البدر إلا أفل^۱ (همان: ۲۸۳)

در این بیت شاعر علت واضح و شناخته‌شده غروب خورشید و غایب شدن ماه را انکار کرده و علتی ادبی و زیبا برای آن ذکر کرده و این است که علت غروب خورشید و غایب شدن ماه، خجالت کشیدن به خاطر دیدن سیما و چهره محبوب است.

لا تُنکروا ما احمر منه فائِه / بدماء أرباب الغرام مضفراً^۲ (همان: ۱۵۶)

در این بیت شاعر علت سرخ بودن رنگ موی معشوق را در این می‌داند که با خون عاشقان خود بافته شده است.

و در جایی دیگر آتش عشق را علت سیاه بختی ذکر می‌کند و می‌گوید:

واسود حظی عندهم لَمَّا سَرَى / فیه بنارِ صباَبتی إحراق^۳ (همان: ۲۲۶)

در همه این نمونه‌ها، شاعر علت اصلی را انکار کرده و علت ادبی، هنری و زیبا ذکر نموده است. به کار گرفتن حسن تعلیل از سوی شاعران سبب ایجاد تخیل در کلام می‌شود؛ زیرا شاعر با بهره گرفتن از این آرایه، مخاطب را از عالم واقعی، به دنیای تخیلی خود وارد می‌کند که در آن، قواعد و نظام علی و معلولی، از سوی خود شاعر بنا نهاده می‌شود.

نتیجه

در این پژوهش چهار حسن ادبی در دیوان شاب الظریف بررسی شد. حاصل بررسی‌ها نشان می‌دهد که شاعر با هنر خود چهار حسن زیبای ادبی؛ یعنی، حسن مطلع، حسن ختام، حسن تخلص و حسن تعلیل را بسیار هنرمندانه به کار برده است.

از میان این محاسن حسن تعلیل در مقایسه با دیگر موارد، به دلیل همراه بودن با آرایه‌های بیانی چون تشبیه و استعاره، جزء صورت‌های تخیلی و خیال‌انگیز بلاغت به شمار می‌آید.

۱. معنی بیت: زمانی که ماه آسمان ماهم را دید که تاریکی‌ها را روشن و منور می‌سازد، شرمگین گشت و از نظرها غایب شد.

۲. معنی بیت: سرخی رنگ موهایش را انکار نکنید، زیرا با خون‌های عاشقان، بافته و تابیده شده است.

۳. معنی بیت: از آن زمانی که آتش عشق بر جانم افتاد، نزد آن‌ها سیاه بخت شدم.

شاب الظریف با بهره‌گیری از این محاسن ادبی بعد از بنا نهادن سخن خود و رعایت اقتضای مخاطب، بر لطف و رونق کلام خویش افزوده است.

شاب الظریف در آغاز برخی قصاید خود، با استفاده از معانی، لطیف و ساده و مناسب با موقعیت حسن مطلع‌های زیبا خلق می‌کند و مخاطب را جذب خود می‌کند.

همچنین گاه برخی سروده‌های خود را با ساختار زیبا و معنایی درست به پایان می‌رساند، به گونه‌ای که کاملاً واضح است که بیت پایانی شعر است و این حسن ختام‌ها بر زیبایی اشعار وی می‌افزاید و چون به شاعر هدف خود رسیده، رضایت وی حاصل می‌شود. همچنین بارزترین ویژگی حسن ختام‌های شاب الظریف دعای خیر در حق معشوق است که معمولاً با آرایه تشخیص همراه است.

در اشعار شاب الظریف با حسن تخلص‌های زیبا مواجه می‌شویم که شاعر در آن از مقدمه گریز می‌زند و به شیوه‌ای دلپذیر و نیکو وارد مدح می‌شود و به گونه‌ای زیبا و ادبی ممدوحان مورد نظر خود را می‌ستاید.

اما آنچه در میان این محاسن بیشتر جلب توجه می‌کند، حسن تعلیل‌های زیبا و هنری شاب الظریف است که در آن دلایل واقعی و عقلانی را رد می‌کند و علت‌های ادبی و هنری به کار می‌برد و بدین ترتیب بر اعتبار و لطافت سخن خود بیش از پیش می‌افزاید. به کار گرفتن حسن تعلیل از سوی شاب الظریف سبب ایجاد تخیل در کلام وی می‌شود؛ زیرا شاعر با بهره گرفتن از این آرایه، مخاطب را از عالم واقعی، به دنیای تخیلی خود وارد می‌کند که در آن، قواعد و نظام علی و معلولی، از سوی خود شاعر بنا نهاده می‌شود.

منابع و مأخذ

تفتازانی، مسعود بن عمر. کتاب المطول فی شرح تلخیص المفتاح. قم: افست، ۱۴۰۷ق.

خانلری، زهرا. فرهنگ ادبیات فارسی. تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۶.

داد، سیما. فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۷۵.

رادفر، ابوالقاسم. فرهنگ بلاغی - ادبی. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۸.
رازی، فخرالدین. نهایی الایجاز فی درایه الاعجاز، تحقیق احمد حجازی السقا. قاهره: المکتبه الصقافی للنشر و التوزیع، ۱۹۸۹.

رامی تبریزی، شرف‌الدین حسن. حقایق الحدایق. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
رضایی، عربعلی. واژگان توصیفی ادبیات. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۸۲.
الشاب الظریف، شمس‌الدین محمد بن عقیف‌الدین سلیمان التلمسانی. دیوان، شرح لصلاح‌الدین الهواری. بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۴ق.

صفدی، صلاح‌الدین. جنان الجناس. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۷۸م.

فاتحی‌نژاد، عنایت‌الله. ابن عقیف تلمسانی. جلد ۴، شماره ۱۵۲۷، بی‌تا.

فروغی، عمر. تاریخ الأدب العربی. بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۶م.

فروغی، محمدحسین. علم بدیع، تهران: چاپ سنگی، ۱۳۳۵.

هاشمی، احمد، جواهرالبلاغه (متن درسی). قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۳۸۱.

Taftazani, Masoud bin Omar, Kitab al-Mutawall fi Sharh Talkhis al-Muftah, Qom: Offset, 1986.

Khanleri, Zahra, Persian Literature Culture, Tehran: Tos, 1987.

Dad, Sima, Dictionary of Literary Terms, Tehran: Marvarid, 2015.

Radfar, Abu al-Qasim, Farhang Rhegical-Literary, Tehran: Information, 1989.

Razi, Fakhr al-Din, Nahayeh al-Ijaz fi Darayeh al-Ijaz, researched by Ahmad Hijazi al-Saqqah, Cairo: Al-Maktabeh al-Saqafi for publishing and al-Tawzieh, 1989.

Rami Tabrizi, Sharaf al-Din Hasan, Haqat al-Hadaiq. Tehran: University of Tehran, 1962.

Rezaei, Arab Ali, Descriptive Vocabulary of Literature, Tehran: Contemporary Culture, 2012.

Al-Shab al-Zarif, Shams al-Din Muhammad bin Afif al-Din Sulaiman al-Talmsani, Diwan, commentary by Salah al-Din al-Hawari, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 2003.

Safdi, Salah al-Din, Janan al-Janat, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, 1978.

Fatehinjad, Inayatullah, Ibn Afif Talmsani, volume 4, number 1527, no.

Farroukh, Omar Tarikh al-Adab al-Arabi, Beirut: Dar al-Alam Lamlayin, 1986.

Foroughi, Mohammad Hossein, Alam Badi, Tehran: Chap Sangi, 1956.

Hashemi, Ahmad, Javaher al-Balagha (textbook), Qom: Qom Seminary, Management Center, 2013.

Aesthetics of four literary virtues in Diwan Shab al-Zarif

Esmail Eslami Ph.D¹

Abstract

Shab al-Zarif is one of the Syrian Arabic-language poets of the Mamluk period who was very skilled in the use of various genres and literary arrays. Among his beautiful and interesting arrays are four arrays: Hasan Tahir, Hassan Khatam, Hassan Tafam and Hassan Talil. In the present research, these four literary virtues in Shab al-Zarif's Diwan are examined from the aspect of aesthetics. The author of the present essay has done it in a descriptive-analytical way and based on library studies and has come to the conclusion that Shab al-Zarif has used the four literary virtues: Hassan Tahir, Hassan Khatam, Hassan Tafam, and Hassan Talil in a very artistic way. These merits, Hasan Talil compared to other cases, due to being accompanied by expressive arrays such as similes and metaphors, are among the imaginative and imaginative forms of rhetoric. By taking advantage of these literary qualities, Shab al-Zarif has increased the grace and prosperity of his speech after establishing his speech and meeting the needs of the audience, and has finally attracted the attention of the audience.

Key words: Shab al-Zarif, aesthetics, poetry library, Spiritual offerings, Hosne Taalil.

1. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Jiroft, Islamic Azad University, Jiroft, Iran
Email: Es.Eslami1359@iau.ac.ir